انتزاعی

اگر ایده ها انتزاعی باشند ، مبتنی بر روش های کلی تفکر هستند.

ایده زیبایی انتزاعی است و با گذشت زمان تغییر می کند.

سالانه

اگر چیزی سالانه باشد ، هر سال یکبار اتفاق می افتد.

تنها باری که خاله ها و عموهایم را می بینم پیک نیک خانوادگی سالانه است.

خاک رس

خاک رس نوعی خاک سنگین و مرطوب است که برای ساخت گلدان استفاده می شود.

او از خاک رس یک کاسه درست کرد.

پارچه

پارچه موادی است که برای ساخت لباس استفاده می شود.

پیراهن او از نوع پارچه ای بسیار نرم ساخته شده است.

پرده

پرده پارچه ای است که از پنجره آویزان شده یا برای تقسیم اتاق استفاده می شود.

پرده ها را باز کرد تا نور به داخل اتاق راه یابد.

سزاوار بودن

لیاقت داشتن یعنی شایستگی چیزی را داشتن در نتیجه عملکرد شخص .

سگ لیاقت یک استخوان را بخاطر رفتار خیلی خوبی داشت.

پر

پرها مواردی است که بدن پرندگان را می پوشاند.

آن پرنده پرهای نارنجی بر روی سینه خود دارد.

حاصلخیز

اگر زمین حاصلخیز باشد ، قادر به تولید محصولات و گیاهان خوبی است.

کشاورز بسیاری از سبزیجات را در خاک حاصلخیز کشت کرد.

سیل

سیل به رویدادی گفته می شود که در آن آب ناحیه ای را که معمولاً خشک است در بر می گیرد.

پس از سه روز باران ، سیل در شهر جاری شد.

مبلمان

مبلمان چیزهایی است که در خانه مانند میز و صندلی استفاده می شود.

اتاق نشیمن او فقط چند مبلمان ساده داشت.

قبر

قبر محل دفن فرد متوفی است.

ما هر ساله از قبر پدربزرگ خود دیدار می کنیم.

ایده آل

اگر چیزی ایده آل باشد ، بهترین چیزی است که احتمالاً وجود دارد.

این خانه مکانی ایده آل برای خانواده من است. همه چیزهایی که ما نیاز داریم را در خود دارد.

هوش

هوش توانایی یادگیری و درک چیزهاست.

به دلیل هوش بالا ، او زود مدرسه را تمام کرد.

این روزها

اگر امروزه اتفاقی بیفتد ، در زمان حال اتفاق می افتد.

در گذشته مردم در همه جا قدم می زدند. امروزه آنها از اتومبیل استفاده می کنند.

به دست آوردن

بدست آوردن گرفتن چیزی است که می خواهید یا نیاز دارید.

بعد از قبولی در آزمون ، گواهینامه رانندگی خود را دریافت کردم.

دینی

وقتی چیزی مذهبی است ، به دین مربوط می شود.

آن مرد مقدس درباره مباحث دینی صحبت کرد.

رومانتیک

وقتی چیزی عاشقانه باشد ، به عشق ربط دارد.

زوج جوان به دیدن یک فیلم عاشقانه رفتند.

صدف

صدف پوششی سخت است که از بدن برخی موجودات دریایی محافظت می کند.

صدف های زیبای بسیاری در ساحل وجود داشت.

ساحل

ساحل لبه یک توده بزرگ آب است.

همه قایق ها در نزدیکی ساحل شناور بودند.

چرخ

چرخ یک وسیله گرد در وسیله نقلیه است که هنگام حرکت می چرخد.

یک ماشین چهار چرخ دارد.

مدت ها پیش ، اوزیریس پادشاه مصر بود ، و ایسیس ملکه بود. آنها در حاشیه رود نیل بر زمین حاصلخیز حکومت می کردند. آنها هوش بالایی داشتند و ایده های انتزاعی خود را با همه در میان می گذاشتند. اوزیریس به مصریان نحوه ساخت چرخ و مبلمان را آموزش داد. ایسیس به آنها آموخت که چگونه از خاک رس و پارچه چیزهایی درست کنند. مردم فکر کردند که لیاقت هدیه گرفتن را دارند. بنابراین آنها هرمی ازیریس و ایسیس را ساختند. همه اوزیریس را دوست داشتند به جز برادرش ، ست. ست می خواست پادشاه شود.

اوزیریس سفر سالانه خود را به اطراف مصر انجام می داد و رویدادهای مذهبی را رهبری می کرد. روستاها صدف های زیبا و پرهای رنگارنگ به او هدیه می دادند.

وقتی اوزیریس بازگشت ، ست یک جعبه چوبی زیبا از پشت پرده آورد.

ست گفت: "اگر کسی درون این جعبه قرار بگیرد ، من آن را به او می دهم."

اوزیریس وارد آن شد. این یک ایده آل مناسب بود!

ناگهان ست جعبه را بست و آن را به داخل رودخانه انداخت. "حالا من پادشاه خواهم شد!" ست گفت.

جعبه پس از سیل در ساحل خارجی شسته شد. ایسیس جنازه او را به خانه آورد و در مصر برای او قبر تهیه کرد. خدایان مصر فکر می کردند ایسیس کاری بسیار عاشقانه انجام داده است. به دلیل عشق او ، خدایان او را خدای جهان زیرین قرار دادند. اوزیریس هر بهار برای کمک به کشاورزان برمی گشت. حتی امروزه نیز مردم می گویند اوزیریس محصولات خود را زنده نگه می دارد.